

The Role of Education on Social Mobility

Aminullah fetrat

Department of Sociology, Faculty of literature and Humanities, Baghlan University..

Corresponding Author: aminullah fetrat, **E-mail:** fetrat.aminullah@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article Type:
Review Article

Article History:

Received:
31, August, 2024

Accepted:
1, September, 2025

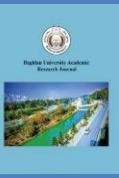
Published:
20, August, 2025

Social mobility is a fundamental topic in the field of sociology. Every human being wants to change from one social situation to another and benefit from better life benefits. Mobility in social life is one of the desires and wishes of every individual, and various factors affect it; one of the most important and influential of these factors is education. The role of education as a factor affecting the social mobility of an individual is the goal of this review study. Considering the review-library study approach, this article is descriptive-analytical in terms of method. The findings show that education, by providing universal education and the possibility of improving the social status of an individual through education and vocational training, can facilitate the grounds for social mobility and change the closed conditions of the social class of the individual and society. Over time, especially in the present era, higher education has emerged as a useful tool for achieving legitimate and honorable positions in society, and university education has become a competitive field. The level of higher education an individual has depends on their income. One of the important functions of formal education related to social mobility is that by acquiring the necessary skills and a high academic degree, an individual can reach high positions and positions in the labor market.

Keywords: Education, Higher Education, Social Mobility.

To cite this article: fetrat, A. : 2025. The Role of Education on Social Mobility. Baghlan University Academic Research Journal, Vol. 13, Issue. 2, Serial No. 37 - Summer (2025), 41-52. License: RCTD – GNJR – 0018 - 23.

Publisher: University of Baghlan



نقش آموزش و پرورش بر تحرک اجتماعی

پوهندوی امین الله فطرت

عضو کادر علمی دیپارتمنت جامعه شناسی پوهنځی ادبیات و علوم بشری پوهنتون بغلان.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله مروری تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۱۰ هـ ش تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۱۰ هـ ش تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۵/۲۹ هـ ش واژه های کلیدی: آموزش و پرورش، تحصیلات عالی، تحرک اجتماعی.	تحرک اجتماعی از مباحث اساسی در قلمرو مطالعاتی جامعه‌شناسی است. هر انسان می‌خواهد از لحاظ اجتماعی از موقعیتی به موقعیت دیگر تغییر کند و از مزایای بهتر زندگی بهره‌مند شود. تحرک در زندگی اجتماعی، از خواسته‌های هر فرد است و عوامل مختلف بر آن تأثیرگذار است؛ یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین این عامل‌ها، آموزش و پرورش می‌باشد. نقش آموزش و پرورش به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر تحرک اجتماعی فرد، هدف این تحقیق مروری می‌باشد. با توجه به رویکرد مطالعات مروری- کتابخانه‌ای، این مقاله از لحاظ روش، توصیفی- تحلیلی می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش و پرورش با فراهم آوردن آموزش همگانی و فراگیری حرفه‌ها می‌تواند امکانات ارتقای پایگاه اجتماعی و زمینه‌های تحرک اجتماعی فرد را مساعد کند و شرایط بسته‌ی طبقه اجتماعی وی را در جامعه تغییر دهد. در طول زمان، به‌ویژه در عصر حاضر، تحصیلات عالی به‌حیث ابزار مؤثر و تأثیرگذار برای نیل به پایگاه‌های مشروع و افتخارآفرین جامعه مطرح است و تحصیلات عالی به قلمرو رقابت تبدیل شده است. میزان تحصیلات عالی فرد به میزان درآمد او بستگی دارد؛ یکی از کارکردهای مهم تحصیلات رسمی که با تحرک اجتماعی ارتباط دارد این است که فرد با کسب مهارت‌های لازم و مدرک تحصیلی بالا، می‌تواند به پایگاه و مناصب بالای شغلی در بازار کار راه پیدا کند.

استناد: فطرت، امین الله. (۱۴۰۴)، نقش آموزش و پرورش بر تحرک اجتماعی، مجله علمی-تحقیقی پوهنتون بغلان، شماره ۲،

تابستان (۱۴۰۴)، شماره مسلسل ۳۷، دور ۱۳. (۴۱-۵۲).

ناشر: پوهنتون بغلان.

مقدمه

آموزش و پرورش و تحرک اجتماعی از مباحث مهم جامعه‌شناسی است. آموزش و تربیت‌یافتگی در مقاطع تحصیلات عالی یکی از مؤثرترین عوامل تأثیرگذار بر تحرک اجتماعی فرد است. انسان از طریق کسب مهارت‌ها و توانایی‌های علمی می‌تواند موقعیت اجتماعی خود را تغییر دهد و از لحاظ صلاحیت، منزلت و وضع اقتصادی، جایگاه بلندتری را در هرم اجتماعی جامعه احراز کند. آموزش عالی (تحصیلات عالی)، به آموزش‌های بعد از مکتب (دوره‌ی ثانویه) اطلاق می‌گردد که در پوهنتون‌ها صورت می‌گیرد. آموزش‌های عالی از منابع تولید دانش و انتقال تجارب فرهنگی علمی و پرورش‌دهنده‌ی متخصصان در بخش‌های مختلف زندگی در جامعه است (رهیاب و همکاران: ۲۱).

افرادی که مدرک تحصیلی بالاتری دارند، می‌توانند موقعیت‌ها و مناصب مهم و درآمدزایی را در نظام شغلی جامعه کسب کنند. این در حالی است که با وجود عمومیت یافتن تحصیلات عالی، اکثراً می‌پذیرند که با همگانی شدن آموزش و پرورش و فراهم شدن زمینه‌ها و فرصت‌های برابر برای همه‌ی افراد جامعه، تحرک اجتماعی فرد را تسهیل می‌بخشد و نابرابری‌ها و فاصله‌های طبقاتی کاهش می‌یابد؛ اما واقعیت این است هنوز نظام‌های آموزشی نتوانستند فاصله‌های طبقاتی را کاهش دهند. برعکس به باور بورديو، نهادهای آموزشی در جوامع صنعتی بیشتر کارکرد بازتولید طبقاتی را ایفا می‌کند. در سال (۱۹۶۰) میلادی، مطالعاتی روی اثرات آموزش و پرورش بر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در کشورهای مختلف صورت گرفته است و این تحقیقات به وضوح نشان می‌دهد که نابرابری‌های اجتماعی ناشی از عدم تساوی شرایط در آموزش و پرورش، در بحث‌های نابرابری‌های اجتماعی افزوده شده است. به‌طور مثال گفته می‌شود کمبود امکانات نزد کودکانی که متعلق به اقشار محروم جامعه هستند، موجب می‌شود که میل آنها به پیشرفت تحصیلی در نهادهای آموزشی پایین‌تر از فرزندان طبقه متوسط جامعه باشد (توسلی، ۱۳۸۵: ۱۸۶).

هدف این تحقیق مروری، مطالعه و بررسی نقش آموزش و پرورش بر تحرک اجتماعی است. سوال این است که آیا آموزش و پرورش نابرابری‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد و در تحرک اجتماعی فرد نقش دارد و یا اینکه نابرابری اجتماعی را تشدید می‌کند؟ مطالب گردآوری شده مرتبط با موضوع می‌تواند نقش آموزش و پرورش بر تحرک اجتماعی را توضیح دهد. این مطالعه‌ی کیفی از لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد و از نوع کار مروری-کتابخانه‌ای است. اطلاعات با استفاده از منابع مرتبط و در دسترس گردآوری شده است و به گونه‌ای تلخیص و عبارت‌نویسی تنظیم، توصیف و تحلیل گردیده است.

تحرك اجتماعى چیست؟

يکى از مباحث مهم در زمينه‌ى قشربندى اجتماعى، تحرك اجتماعى است. در مطالعاتى پيرامون تحرك اجتماعى، معمولاً شدت و سرعت تحرك اجتماعى و الگوهاى مختلف مطرح است که مورد بررسى قرار مى‌گيرد (توسلى، ۱۳۸۵: ۲۰۷). تحرك اجتماعى به‌خصوص به‌صورت مثبت و صعودى از اهداف هر نظام آموزشى دانسته مى‌شود و نهادهاى آموزشى رسمى و غيررسمى در جهت تحقق اهدافى گام بر مى‌دارند که به کمک تحرك اجتماعى قابل حصول اند (کاشانى، ۱۳۷۶: ۵۳).

سوروكين، تحرك اجتماعى را به جابجا شدن فرد در درون فضاى اجتماعى تعريف مى‌کند. از نظر استفن ايگل، منظور از تحرك اجتماعى، جابجايى افراد بين طبقات مختلف اجتماعى است (توسلى، ۱۳۸۵: ۲۰۹). يا اينکه تحرك اجتماعى به جابجايى فرد از يک پايگاه اجتماعى به پايگاه اجتماعى و يا هم انتقال يک شخص يا گروه از يک پايگاه اجتماعى به پايگاه اجتماعى ديگر اطلاق مى‌شود (رحيم، ۱۳۹۶: ۱۵۷). به عبارت ديگر، تحرك اجتماعى به ميزان تغيير وضعيت اجتماعى زندگى افراد جامعه در يک برهه‌ى از زمان معين اشاره دارد (داسگوپتا، ۱۴۰۰: ۴۷۷).

آنتونى گيدنز، در مورد اصطلاح تحرك اجتماعى مى‌نويسد: " تحرك اجتماعى به حرکت افراد و گروه‌ها با موقعيت‌هاى اجتماعى - اقتصادى مختلف اطلاق مى‌شود". از نظر آنتونى گيدنز، در مطالعه‌ى قشربندى اجتماعى نه‌تنها اختلافات بين موقعيت‌هاى اقتصادى و مشاغل در نظر گرفته شود؛ بلکه بايد رخداده‌ها مربوط به افراد که آنها را اشغال کرده اند، نيز بررسى گردد. گيدنز مى‌گويد: " با پايين بودن ميزان تحرك اجتماعى، انسجام طبقاتى و پيوستگى ميان اعضاى يک طبقه تقويت مى‌شود و احتمال دارد که افراد متعلق به آن طبقه، نسل‌ها در آن طبقه باقى بمانند" (توسلى، ۱۳۸۵: ۲۱۰).

تحرك اجتماعى، بهبود وضعيت فرد را در ذهن آدمى تداعى مى‌کند، اما هميشه چنين نيست. در تحرك اجتماعى تغيير پايگاه اجتماعى - اقتصادى ممکن به گونه‌ى افقى باشد؛ يعنى تحرك اجتماعى فرد از يک پايگاه اجتماعى به پايگاه هم‌سطح و در موقعيت مشابه باشد. در اين نوع تحرك، موقعيت اجتماعى ثابت مى‌ماند و به جابجايى فرد از يک وضع به وضع مشابه ديگر و از يک شغل به شغل مشابه ديگر اشاره دارد که هيچ تغييرى در پايگاه و موقعيت اجتماعى فرد ديده نمى‌شود (ايران‌منش، ۱۳۹۷: ۹۲) و (داسگوپتا، ۱۴۰۰: ۴۷۸). تحرك عمودى، تحركى است که در سطح سلسله مراتب منزلت اجتماعى به وجو مى‌آيد و مى‌تواند از بالا به پايين (تحرك عمودى

نزولی) و یا هم از پایین به بالا (تحرک عمودی صعودی) باشد. سطح تحصیل یکی از عوامل مهم تحرک اجتماعی شمرده می‌شود. در تحرک عمودی علاوه بر تغییر وضع و شغل فرد، پایگاه و جایگاه اجتماعی فرد نیز تغییر می‌کند (ایران‌منش، ۱۳۹۷: ۹۲).

پایگاه اجتماعی، نظام و منزلتی است که جامعه به‌طور عینی برای اعضای خود در نظر می‌گیرد. به عباره دیگر، پایگاه اجتماعی مقامی است که از لحاظ اجتماعی شناخته شده و در واقع یک موقعیت معین در فضای اجتماعی است (رحیم، ۱۳۹۶: ۱۵۳). پایگاه اجتماعی نشان دهنده ارزش، موقعیت و اعتبار اجتماعی فرد است (محسنی، ۱۳۸۴: ۲۶۷). پایگاه اجتماعی، ارزش و امتیازی است که جامعه جهت ایفای نقش به افراد می‌دهد (کاشانی، ۱۳۷۶: ۵۶). پایگاه و موقعیت اجتماعی فرد، حقوق و مزایای شخص را تعیین می‌کند (کوئن، ۱۳۹۳: ۸۰). تحرک میان‌نسلی، درون‌نسلی، خود به‌خودی، ارادی و تحرک جانبی نیز از انواع تحرک اجتماعی شمرده می‌شود.

رابطه‌ی آموزش و پرورش با تحرک اجتماعی

آموزش به‌طور گسترده به عنوان یک محرک اساسی تحرک اجتماعی شناخته می‌شود. این امر افراد را به دانش، مهارت‌ها و مدارک لازم برای دسترسی به فرصت‌های شغلی بهتر و دستیابی به جایگاه اجتماعی- اقتصادی بالاتر مجهز می‌کند و با افزایش سرمایه انسانی، آموزش می‌تواند چرخه‌ی فقر را بشکند و مسیرهایی را برای تحرک رو به بالا فراهم کند. کیفیت و دسترسی به آموزش مستقیماً بر توانایی فرد در بهبود جایگاه اجتماعی وی تأثیر می‌گذارد و به کاهش نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی در یک جامعه کمک می‌کند (شرواس‌تاوا، ۲۰۲۴: ۲۹۵).

روند تحرک اجتماعی در جوامع مدرن باوجود برخی تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، از تحرک حمایتی بر تحرک رقابتی و در زمینه‌ی آموزش و پرورش، از آموزش و پرورش نمادین به آموزش و پرورش کارکردی تغییر کرده است. امروز بیشتر از گذشته، آموزش و پرورش از عوامل سازنده‌ی قشربندی اجتماعی محسوب می‌شود، زیرا دانش و مهارت و نگرش‌هایی که در نهادهای آموزشی کسب می‌شوند، برای رشد و استمرار جامعه مهم تلقی می‌شوند. فرصت‌های افراد برای استفاده از آموزش و پرورش برای تحرک اجتماعی خود و فرزندان شان از دو عامل مهم متأثر اند؛ توزیع نابرابر لوازم و امکانات اجتماعی مانند درآمد، مسکن و میراث فرهنگی میان مردم و هم‌چنان توزیع نابرابر ویژگی‌ها و خصوصیات فردی مانند هوش، انگیزش، و سلامتی. بنابراین، فرصت‌های آموزش و پرورش را نباید جدا از عوامل فوق ملاحظه کرد (علاقه‌بند، ۱۳۸۴: ۱۹۰).

در مورد اینکه آیا آموزش و پرورش باعث بهبود وضعیت زندگی فرد از لحاظ اقتصادی، اعتبار و منزلت اجتماعی فرد می‌شود و یا برعکس، آموزش و پرورش نوعی کنترل، نظارت و ایجاد محدودیت برای فرد است تا در وضعیت قبلی باقی بماند. اغلب مردم عادی باور دارند که آموزش و پرورش باعث بهبود و تغییر مثبت در زندگی فرزندان شان می‌گردد. اما دیدگاه‌ها و پاسخ جامعه‌شناسان طوری دیگری است؛ به‌طور مثال کارکردگرایان و لیبرال‌ها می‌گویند آموزش و پرورش به‌حیث یک فرصت برای کودکان صرف‌نظر از خواستگاه‌های طبقاتی و خانوادگی، استعداد آنها را پرورش می‌دهد و متناسب با توانایی‌های خود به حق و جایگاه شان برسند. به نظر این دانشمندان آموزش وسیله‌ای برای برابری در نظر گرفته می‌شود تا از این طریق زمینه‌های پیشرفت آنان و کاهش نابرابری فراهم شود (ایران‌منش، ۱۳۹۷: ۱۶۳).

آموزش و پرورش در دستیابی به مشاغل و درآمد بالاتر فرد کمک می‌کند؛ آموزش و پرورش با فراهم نمودن آموزش همگانی و امکان ارتقای پایگاه اجتماعی فرد از طریق آموزش و حرفه‌آموزی، می‌تواند شرایط بسته را تغییر دهد. اصل تساوی حقوق و برابری همه‌ی مردم در پرورش استعدادها و شایستگی‌های فطری و انسانی از طریق نظام‌های آموزشی مردمی میسر شده می‌تواند (کاشانی، ۱۳۷۶: ۶۶). همان طوری که افراد با خصوصیات ذاتی و طبیعی متفاوت به فراگیری دانش در نهادهای آموزشی می‌پردازند، هر فرد بنابر استعداد فطری خود می‌تواند به موقعیت‌های تحصیلی بالاتر نایل آید. مسلماً آموزش و پرورش فلسفه‌ی وجودی و خصوصیات طبیعی انسان را شکل می‌دهد و حتی افراد کم‌هوش و کسانی دارای نواقص جسمانی هستند، در محیط آموزشی مطلوب و مناسب، استعدادهای ذاتی آنها شکوفا می‌شود.

جامعه‌شناسان آمریکایی در بحث تحرک اجتماعی بیشتر به بررسی این مسأله علاقمند هستند که چگونه افراد در یک نظام سلسله مراتب عمودی که مبنای آن انگیزه‌ها و پاداش‌های مادی است، به پایگاه دلخواه خود دست می‌یابند. به باور آنها هرگاه دستیابی به این پایگاه‌ها مستلزم دارا بودن مدرک تحصیلی دانشگاهی باشد، اصل شایسته‌سالاری در تحرک اجتماعی تحقق می‌یابد و معیارهای عام جای معیارهای ارثی و اسنادی را می‌گیرد. در حالی که محققان اروپایی بر مفاهیمی مانند فرصت‌های زندگی و میزان آگاهی گروهی و طبقاتی در تشکلهای جمعی تأکید دارند. هدف آنها در تحقیقات شان در مورد تحرک اجتماعی این است که دریابند چگونه و در چه شرایطی آگاهی طبقاتی و گروهی می‌تواند فعال شود و منجر به اقدام طبقاتی و گروهی در راستای تحرک

اجتماعی گردد (توسلی، ۱۳۸۵: ۲۰۸). آموزش و پرورش باعث می‌شود که افراد بتوانند تحرک طبقاتی پیدا کنند و وارد طبقه متوسط شوند و سرمایه فرهنگی از نتایج این تحرک دانسته می‌شود (آرانی، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

امروز در جوامع، مهارت‌های آموزشی یکی از شرایط کسب مشاغل است. سازمان‌های اداری، صنایع و خدمات اعم از دولتی و خصوصی در پروسه‌ی استخدام پیوسته سطح آموزش و نوع مدرک تحصیلی را در نظر می‌گیرند و در نظام‌های شغلی و سازمان‌های اجتماعی، دارندگان مهارت‌های آموزشی بالا از جایگاه بالاتری شغلی برخوردار هستند. ماکس وبر جامعه‌شناس و اقتصاددان آلمانی می‌گوید: "استخدام بر اساس شایستگی و لیاقت یکی از خصوصیات بوروکراسی (دیوان‌سالاری) است و تأکید بر آن دارد تا استخدام باید صلاحیت تخصصی در کسب شغل بدون توجه به عوامل خارجی (نژاد، وضع اجتماعی و طبقاتی) صورت گیرد (فومنی، ۱۳۹۸: ۷۱). کارکردگرایان، به تفاوت در توانایی فردی شاگردان در نهادهای آموزشی معتقدند. به باور آنها آموزش و پرورش بین کودکان تمایز ایجاد می‌کند و فرایند گزینش که در نهایت پایگاه شغلی فرد را تعیین می‌کند، از نظر کارکردگرایان در نهادهای آموزشی شروع می‌شود (شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۲۲۴).

در پیوند با عوامل تحرک اجتماعی می‌توان گفت که با تغییر در تقسیم‌کار و ساخت شغلی، بر تحرک اجتماعی افزوده است و با تغییرات اجتماعی در جامعه، تحرک اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. هم‌چنان رشد جوامع به‌سوی صنعتی شدن و ضرورت به مشاغل تخصصی و رشد و تعمیم آموزش و پرورش، تحرک اجتماعی را بیشتر می‌سازد. محدودیت‌ها و تبعیض‌ها در سطح جوامع نیز از عواملی مهم دستیابی به تحرک عمودی به حساب می‌رود. مزید بر موارد اشاره شده، رشد جمعیت و مهاجرت‌ها، عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر تحرک اجتماعی دخیل است (کاشانی، ۱۳۷۶: ۵۶) و (رحیم، ۱۳۹۶: ۱۵۹-۱۶۱). فرهنگ‌آموزی، آموزش مدیریت، انتقال ارزش‌های اجتماعی، آموزش فن و حرفه و تخصص نقش مهمی در تحرک اجتماعی افراد دارد (فومنی، ۱۳۸۷: ۲۴۳). تحصیلات، جنس، نژاد و شغل پدر نیز در تحرک اجتماعی تأثیرگذار دانسته شده است (کوئن، ۱۳۹۳: ۳۱۷). در کل، آموزش و پرورش در گزینش و تخصیص افراد به گروه‌بندی‌های شغلی، بر حسب استعداد و توانایی‌های آنها نقش مهمی دارد. عوامل محسوس دیگر مانند کیفیت آموزش و پرورش، دسترسی به تسهیلات آموزشی، تفاوت‌های موجود در انگیزه، ارزش‌ها و نگرش‌های شخصی برای بالفعل کردن استعداد بالقوه‌ی فرد در این فرایند دخالت دارد (علاقه‌بند، ۱۳۸۴: ۱۸۴). به‌طور مثال، آموزش و پرورش با فراهم آوردن آموزش همگانی و امکان ارتقای پایگاه

اجتماعی فرد از طریق آموزش و حرفه‌آموزی می‌تواند زمینه‌های تحرک اجتماعی را مساعد کند و شرایط بسته‌ی طبقه اجتماعی فرد و جامعه را تغییر دهد (کاشانی، ۱۳۷۶: ۶۶). میزان آموزش و کیفیت تحصیل فرد به او امکان می‌دهد که در جامعه شغل بهتر کسب کند و درآمد بیشتری به‌دست آورد و بالاخره در طبقه‌ی بالاتری از سلسله مراتب اجتماعی قرار گیرد و پایگاه اجتماعی او نیز تغییر کند (محسنی، ۱۳۸۴: ۲۶۴). سطح بالای آموزش نوعی مجوز برای کسب شغل به‌حساب می‌آید و رابطه بین آموزش و پرورش، پایگاه شغلی و درآمد یک رابطه‌ی قطعی دانسته می‌شود؛ بدین معنی که سطح بالای تحصیلی باعث می‌شود تا فرد شغل بهتر با درآمد بالاتر نایل آید. مسلماً با افزایش فرصت‌های آموزشی، جامعه بازتر می‌شود و سطح تحرک اجتماعی فرد افزایش می‌یابد (شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۲۲۹).

آموزش، عامل تأثیرگذار بر تحرک اجتماعی

دست‌رسی برابر به آموزش برای ایجاد تحرک اجتماعی بسیار مهم است، زیرا مهارت‌ها و دانش بنیادی لازم برای بهبود وضعیت اجتماعی-اقتصادی افراد را فراهم می‌کند. آموزش به عنوان یک عامل تأثیرگذار عمل می‌کند و فرصت‌هایی را برای پیشرفت شخصی و حرفه‌ای صرف‌نظر از پیشینه فرد ارائه می‌دهد. با این حال، موانعی مانند وضعیت اجتماعی-اقتصادی و موقعیت جغرافیایی می‌تواند به طور قابل توجهی مانع دست‌رسی شود. کودکان خانواده‌های کم‌درآمد یا مناطق روستایی اغلب با موانعی مانند امکانات ناکافی آموزشی، کمبود حمل و نقل و محدودیت‌های مالی روبرو هستند که فرصت‌های آموزشی آنها را محدود می‌کند. پرداختن به این موانع برای اطمینان از اینکه همه افراد شانس بهره‌مندی از پیشرفت‌های آموزشی و بهبود جایگاه اجتماعی خود را دارند، ضروری است. کیفیت آموزش با تعیین اثربخشی تجربیات یادگیری و منابع موجود برای دانش‌آموزان، مستقیماً بر تحرک اجتماعی تأثیر می‌گذارد. سیستم‌های آموزشی با کیفیت بالا، معلمان آموزش‌دیده، امکانات مدرن و برنامه درسی را فراهم می‌کنند که دانش‌آموزان را برای موفقیت در آینده آماده می‌کند. کیفیت تدریس معلم انگیزه‌دهنده است، زیرا مربیان مؤثر می‌توانند دانش‌آموزان را الهام بخشند و درگیر کنند و یک محیط یادگیری مساعد را ایجاد کنند که پیشرفت تحصیلی را ارتقا می‌دهد.

پوهنتون‌ها و مراکز علمی با ارائه فرصت‌های آموزشی پیشرفته که می‌تواند منجر به مشاغل پردرآمدتر و پیشرفت شغلی شود، نقش مهمی در ایجاد تحرک اجتماعی ایفا می‌کنند. دست‌رسی به

آموزش عالی عامل کلیدی در دستیابی به تحرک اقتصادی است، زیرا مهارت‌های تخصصی و مدارکی را در اختیار افراد قرار می‌دهد که اغلب برای موفقیت حرفه‌ای مورد نیاز هستند. پوهنتون‌ها و مؤسسات آموزش عالی هم‌چنین فرصت‌ها و منابع شبکه‌ای را ارائه می‌دهند که می‌توانند چشم‌انداز شغلی را بیشتر افزایش دهند. با این حال، نابرابری‌ها در دسترسی به آموزش عالی؛ مانند هزینه‌های بالای مصارف تحصیلی، موانع پذیرش و تفاوت‌ها در آمادگی تحصیلی می‌تواند نابرابری‌های اجتماع اقتصادی را تداوم بخشد. (شرواس‌تاوا، ۲۰۲۴: ۲۹۶).

در مورد نقش آموزش و پرورش در تحرک اجتماعی می‌توان به دیدگاه قدرت سازمانی نیز اشاره کرد. این دیدگاه به اندیشه ماکس وبر بر می‌گردد، وی در اوج انقلاب صنعتی در قرن بیستم، نظریه بوروکراسی خود را ارائه داد. ماکس وبر، بوروکراسی را کوشش عقلانی بهترین روش هماهنگی هر نوع فعالیت اقتصادی- اجتماعی در عصر صنعت تعریف کرد و استخدام براساس لیاقت و شایستگی را از خصوصیات مهم بوروکراسی عنوان نمود. در اینجا نقش آموزش و پرورش به‌خوبی روشن می‌شود، زیرا تخصص بدون آموزش امکان ندارد. از جانب دیگر، آموزش نقش مهمی در جابجایی پایگاه‌های قدرت در درون نخبگان جامعه دارد؛ چون مدرک تحصیلی بالاتر می‌تواند نقش بهتری در امور سیاسی ایفا کند (فومنی، ۱۳۹۸: ۷۱). از سوی هم، از لحاظ تقسیم‌کار اجتماعی، تصدی شغل‌ها مستقیماً با سطح آموزش و تحصیل فرد در ارتباط است، زیرا تقسیم‌کار براساس تخصص است و هر تخصص با سطح آموزش در ارتباط می‌باشد (همان، ۱۳۹۸: ۷۲). در طول زمان تحصیلات دانشگاهی به ابزار سودمندی برای نیل به پایگاه‌های مشروع و افتخارآفرین تبدیل شده است و به قلمرو رقابت درآمده است. یکی از کارکردهای مهم تحصیلات رسمی که با تحرک اجتماعی ارتباط دارد این است که فرد با کسب مهارت‌های لازم، زمینه‌ها برای ورود به بازار کار را برای وی فراهم می‌کند (کوئن، ۱۳۹۳: ۳۲۲). نهادهای آموزشی و تحصیلی، مکان‌هایی که به ازای دست‌مزد، بخش‌های جدایی‌ناپذیر اقتصاد هستند؛ به‌مثابه فضای کار متفاوت سلسله‌مراتب‌های مربوط به طبقه‌های اجتماعی توانایی را بازسازی می‌کند و گاهی نیز آنها را به چالش می‌کشد؛ و به منزله‌ی نهادهایی که در طول تاریخ، موتور محرک جنبش طبقه کارگر بوده‌اند و نقش مهمی را به عنوان صحنه یا عرصه‌ی مبارزه بر سر مسایلی؛ چون پیشرفت اقتصادی و طبقاتی بازی کرده‌اند (آپل، ۱۳۹۸: ۳۹). اندازه‌گیری تحرک اجتماعی شامل تجزیه و تحلیل شاخص‌های مختلفی است که منعکس‌کننده تغییرات در وضعیت اجتماعی- اقتصادی هستند. معیارهای رایج شامل سطح درآمد، میزان تحصیلات، وضعیت شغلی و توزیع ثروت است. داده‌های مربوط به همبستگی درآمد

بین نسلی و نتایج آموزشی، بینش‌هایی در مورد میزان تحرک در یک جامعه ارائه می‌دهد. با ارزیابی این شاخص‌ها، محققان می‌توانند اثر بخشی سیستم‌ها و سیاست‌های آموزشی را در تسهیل تحرک رو به بالا و پرداختن به نابرابری‌ها در فرصت‌های اجتماعی-اقتصادی ارزیابی کنند (شرواس‌تاوا، ۲۰۲۴ : ۲۹۶). از مطالب فوق چنین بر می‌آید که آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر تحرک اجتماعی به حساب می‌رود؛ نظام‌های آموزشی و آموزش و پرورش زمانی می‌توانند تحرک اجتماعی فرد را تسهیل بخشد و بر کاهش نابرابری‌های اجتماعی مؤثر واقع گردد که فرصت‌ها و زمینه‌های آموزش و تحصیل بدون هر نوع تبعیض برای همه افراد جامعه به گونه‌ی یکسان فراهم شود و معیارهای کسب اشتغال و صلاحیت‌های کاری نیز منوط بر شایستگی‌ها و توانایی‌های علمی- تخصصی فرد باشد. در چنین وضعیتی، آموزش و پرورش زمینه‌های تحرک اجتماعی را تسهیل می‌کند و در جهت کاهش نابرابری‌های اجتماعی مؤثر واقع می‌شود. در صورتی که فرصت‌های آموزش و تحصیل به‌طور نامتعادل و غیر مساویانه و تبعیض‌آمیز در جامعه توزیع گردد؛ آموزش و پرورش نقش تشدید کننده‌ی نابرابری‌های اجتماعی ایفا خواهد کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گردآوری شده پیرامون نقش آموزش و پرورش بر تحرک اجتماعی، همان طوری که تحرک اجتماعی به‌صورت مثبت و صعودی از اهداف هر نظام آموزشی دانسته می‌شود و هر جامعه‌ای می‌خواهد نظام‌های آموزشی با پرورش و تقدیم نمودن افراد آموزش‌دیده و متخصص در نظام اداری و شغلی جامعه، به تغییر و پیشرفت جامعه یاری رساند. از این‌رو، نهادهای آموزشی رسمی و غیررسمی متناسب با تقاضا و نیاز جامعه در جهت تحقق اهدافی گام بر می‌دارند که به کمک تحرک اجتماعی قابل حصول اند. تحرک اجتماعی فرد به عوامل مختلف در ارتباط است. یکی از این عامل‌ها، آموزش و پرورش است؛ با فراهم شدن زمینه‌های آموزش و فرصت‌های تحصیل برای افراد در جامعه، در صورتی که سایر عوامل تأثیرگذار بر موفقیت‌های آموزشی- تحصیلی برای فرد مساعد نباشد، نمی‌تواند از توانایی‌های آموزشی- تحصیلی در امر تحرک اجتماعی بهره‌مند گردد. امروز بیشتر از گذشته، آموزش و پرورش از عوامل سازنده‌ی قشریندی اجتماعی محسوب می‌شود، زیرا دانش و مهارت و نگرش‌هایی که در نهادهای آموزشی کسب می‌شوند، برای رشد و استمرار جامعه مهم تلقی می‌شوند. تحرک اجتماعی در جوامع مدرن با وجود برخی تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، از تحرک حمایتی بر تحرک رقابتی و در زمینه‌ی آموزش و پرورش، از آموزش و پرورش

نمادین به آموزش و پرورش کارکردی تغییر کرده است. این بدان معنی است که در عصر امروز در سطح جوامع، به خصوص در کشورهای صنعتی و توسعه یافته، فضای رقابت برای کسب دانش و توانایی‌های علمی و تخصصی متناسب با نیازهای بازار کار بیشتر از گذشته رقابتی شده است و هر فرد باید در این فضای رقابتی تلاش نماید تا صلاحیت و توانایی لازم را کسب کند و با شرایط بازار کار و تقاضای جامعه آماده شود. امروز نسبت از هر معیار دیگر، تحصیل از جمله‌ی عمده‌ترین عامل و معیار تأثیرگذار بر تحرک اجتماعی و تغییر پایگاه طبقاتی فرد در جامعه تلقی می‌شود و مردم پیوسته تلاش می‌کنند و از نظام آموزشی تقاضا دارند تا فرصت‌های آموزش و تحصیل را برای فرزندان شان فراهم نماید. اما چه در عصر حاضر و چه هم در گذشته، بنابر عوامل مختلف فرصت‌های آموزش و تحصیل برای همه‌ی متقاضیان دانش و معرفت یکسان مساعد نبوده است و نظام‌های آموزشی در سطح جوامع به خصوص در کشورهای صنعتی حسب نیاز بازار کار و تقاضای سرمایه‌داران عمل می‌کنند و فرصت‌های آموزشی به گونه‌ی متوازن برای همه‌ی طبقات و اقشار جامعه فراهم نمی‌باشد؛ در چنین وضعیت، نهادهای آموزشی نقش تشدید کننده‌ی نابرابری اجتماعی را ایفا می‌کند. روی هم رفته، آموزش و پرورش به حیث یکی از عوامل تأثیرگذار در تحرک اجتماعی فرد نقش بسزایی دارد و همواره مورد مطالعه جامعه‌شناسان و متفکران اجتماعی قرار داشته است. هر انسان به صورت طبیعی می‌خواهد تحرک و پویایی داشته باشد و در جهت کمال‌یابی و سازندگی تغییر کند و به مدارج بالای خدمت‌گزاری دست پیدا کند، کسب دانش و مدرک تحصیلات عالی از مهم‌ترین وسیله‌ی رسیدن به تحرک اجتماعی و کمال‌جویی به حساب می‌رود. از این رو، در طول زمان تحصیلات عالی به ابزار سودمندی برای نیل به پایگاه‌های مشروع و افتخارآفرین درآمدی است. یکی از کارکردهای مهم تحصیلات رسمی که با تحرک اجتماعی ارتباط دارد این است که فرد با کسب مهارت‌های لازم، زمینه‌ها برای ورود به بازار کار را برای وی فراهم می‌کند. در کل، آموزش به طور گسترده به عنوان یک محرک اساسی تحرک اجتماعی شناخته می‌شود و افراد را به دانش، مهارت‌ها و مدارک لازم برای دسترسی به فرصت‌های شغلی بهتر و دستیابی به جایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر مجهز می‌کند. کیفیت و دسترسی به آموزش مستقیماً بر توانایی فرد در بهبود جایگاه اجتماعی وی تأثیر می‌گذارد و به کاهش نابرابری‌های در جامعه کمک می‌کند. پوهنتون‌ها و مراکز علمی با ارائه فرصت‌های آموزشی پیشرفته که می‌تواند منجر به مشاغل پردرآمدتر و پیشرفت شغلی شود، نقش مهمی در ایجاد تحرک اجتماعی ایفا می‌کنند. دسترسی به آموزش عالی عامل کلیدی در دستیابی به تحرک اقتصادی است، زیرا

مهارت‌های تخصصی و مدارکی را در اختیار افراد قرار می‌دهد که اغلب برای موفقیت حرفه‌ای مورد نیاز هستند. پوهنتون‌ها و مؤسسات آموزش عالی هم‌چنین فرصت‌ها و منابع شبکه‌ای را ارائه می‌دهند که می‌توانند چشم‌انداز شغلی را بیشتر افزایش دهند.

فهرست منابع

- آپل، مایکل دبلیو. (۱۳۹۸). آیا آموزش جامعه را تغییر داده می‌تواند؟. ترجمه‌ی نازنین میرزابیگی. تهران: انتشارات آگاه.
- آرانی، عباس معدن‌دار. آرانی، محمد رضا سرکار. (۱۳۸۸). آموزش و توسعه: مباحث نوین در اقتصاد آموزش. تهران: نشر نی.
- ایران‌منش، محمدرضا. (۱۳۹۷). رویکرد تحلیلی به جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات بهمن‌برنا.
- توسلی، غلام عباس. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سمت.
- داسگوپتا، سمیر. (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی مقایسه‌ای. ترجمه امین الله فطرت. کابل: انتشارات تمدن.
- رحیم، ذبیح الله. (۱۳۹۶). مبادی جامعه‌شناسی. کابل: انتشارات کاروان.
- رهیاب، همایون. واجارگاه، کورش فتحی. جعفری، اسماعیل. موسی‌پور، نعمت الله (۱۴۰۳). واکاوی سیر تحول آموزش عالی در افغانستان. فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. دوره (۳۰)، شماره (۱)، ص ۳۴-۱۹.
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سمت.
- علاقه‌بند، علی. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: کتابخانه فروردین.
- فومنی، محمد رسول گلشن. (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: نشر دوران.
- فومنی، محمدرسلول گلشن. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی سازمان‌ها و توان‌سازمانی. تهران: نشر دوران.
- کاشانی، مجید. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- کوتن، بروس. (۱۳۹۳). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه و اقتباس غلام‌عباس توسلی. تهران: انتشارات سمت.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی عمومی. تهران: انتشارات طهوری.
- Shrivastava, Rachana. (2024). the role of education in social mobility. International Open Access Peer- Reviewed and Refereed Journal Multidisciplinary Research. Volume 1, Issue 3. Pages 294-301.